

بسم الله الرحمن الرحيم

### ادامه بررسی امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلق امر

در جلسات گذشته، بعد از ذکر دلیل سوّم بر استحاله اخذ قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلق امر یعنی دلیل محقق نائینی «رحمة الله علیه»، پاسخ محقق خویی «رحمة الله علیه» از این دلیل را ذکر کردیم. در ادامه به نقد و بررسی این پاسخ می پردازیم.

#### نقد کلام محقق خویی «رحمة الله علیه»

فرمایش ایشان، از دو زاویه قابل نقد و بررسی می باشد:

**زاویه اوّل** آن است که ایشان فرمودند: «در خطابات تحریمیّه مثل «لا تشرب الخمر»، فعلیّت حکم، متفرّع بر فعلیّت موضوع آن حکم در خارج نیست. یعنی هر چند موضوع حکم بالفعل وجود نداشته باشد، حکم فعلی است»<sup>۱</sup>. لکن این سخن قابل پذیرش نیست. چون اساس فعلیّت هر حکمی را قدرت مکلف بر فعلی که متعلق آن حکم می باشد، تشکیل می دهد و اساس قدرت بر متعلق را وجود موضوع حکم در خارج، مثلاً حکم حرمت نسبت به شرب خمر، زمانی فعلیّت پیدا می کند که شخص مکلف قدرت بر شرب داشته باشد و الا طلب ترک آن، طلب حاصل است و زمانی مکلف قدرت بر انجام و ترک شرب پیدا می نماید که موضوع حکم یعنی خمر، در خارج وجود داشته باشد، و الا حکم حرمت شرب خمر، سالبه به انتفاء موضوع بوده و فعلی نخواهد شد. زیرا فعلیّت حکمی که موضوع آن منتفی است، لغو می باشد.

البته انشاء و جعل حکم، چه در خطابات تحریمیّه و چه در خطابات وجوبیّه متفرّع بر فعلیّت موضوع در خارج نبوده و لذا حرمت شرب خمر می تواند جعل و انشاء شود، هر چند خمر در خارج وجود نداشته باشد. چون صرف فرض وجود موضوع، در انشاء و جعل کفایت می نماید و از عدم وجود موضوع حکم در خارج، لغویّت جعل آن حکم لازم نخواهد آمد. زیرا فایده انشاء و جعل چنین حکمی آن است که وقتی شرایط فعلیّت مهیا شد، نیازی به انشاء جدید نباشد.

**زاویه دوّم** آن است که محقق نائینی «رحمة الله علیه»، مقتضای قضیّه حقیقیّه بودن قضایای شرعی را لزوم مفروض الوجود بودن موضوع و متعلق متعلق احکام دانسته اند، با این توضیح که فرموده اند «چون تمامی قضایای شرعیّه، قضایایی حقیقیّه هستند، اگر موضوع آنها بالفعل وجود نداشت، لا محاله این موضوع مقدّر و مفروض الوجود اخذ می شود»<sup>۲</sup>. پس مفروض الوجود بودن موضوع در قضایای شرعیّه در نظر ایشان، تنها مترتب بر حقیقیّه بودن آن قضایا می باشد و بر همین اساس در خصوص موضوع

<sup>۱</sup> - مراجعه شود به درس ۸۸، مورّخ ۹۲/۲/۹.

<sup>۲</sup> - مراجعه شود به درس ۸۶، مورّخ ۹۲/۲/۷.

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی قصد امتثال امر، در فرض اخذش در متعلّق امر، مفروض الوجود بودن را ادّعا نمودند و محاذیر سه گانه را نتیجه گرفتند، نه اینکه لزوم مفروض الوجود بودن موضوع را نتیجه محذور عقلی در فرض مفروض الوجود ندانستن آن موضوع دانسته باشند تا اینکه شما ادّعا نمایید محذور عقلی وجود ندارد، پس نیازی به مفروض الوجود اخذ نمودن آن نمی باشد و لذا محذوری لازم نمی آید.

**علاوه بر اینکه** محذور عقلی تکلیف به غیر مقدور که شما سعی در رفع آن نمودید، مانعی در جهت فعلیّت تکلیف است، نه مانعی در مقام انشاء و جعل تا اینکه وجود آن را محذوری در اصل جعل که محلّ بحث ما است، دانسته و دلیل بر لزوم مفروض الوجود بودن موضوع قرار دهید. بنا بر این در اینجا اساساً خلط بین مقام جعل و مقام فعلیّت تکلیف صورت گرفته است و همین خلط باعث شده محقّق نائینی «رحمة الله علیه» استدلالی نا صواب ارائه دهند و محقّق خویی «رحمة الله علیه» نیز پاسخی خارج از چهار چوب بحث و مدّعا ارائه نمایند. لذا باید از کلام محقّق نائینی «رحمة الله علیه» پاسخ مناسبی ارائه داده شود.

و سیّأتی نقد الدلیل الثالث - اعنی دلیل المحقّق النائینی «رحمة الله علیه» - فی الدرس الآتی ان شاء الله تعالی.

**«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»**